

سر آغاز با نام و یاد خدا

مجموعه‌ی نوروز خوانی جلد (۶)

ویژه‌ی دانش‌آموزان پایه‌ی ششم

بر اساس «طرح خوانا»ی آموزش و پرورش

مؤلف: سعید بی‌نیاز





سخنی با اولیا و مربیان

پس از چند سال از شروع طرح «خوانا» در آموزش و پرورش، شاهد بالنده شدن این طرح و پیشرفت کمی و کیفی آن در سراسر کشور هستیم.

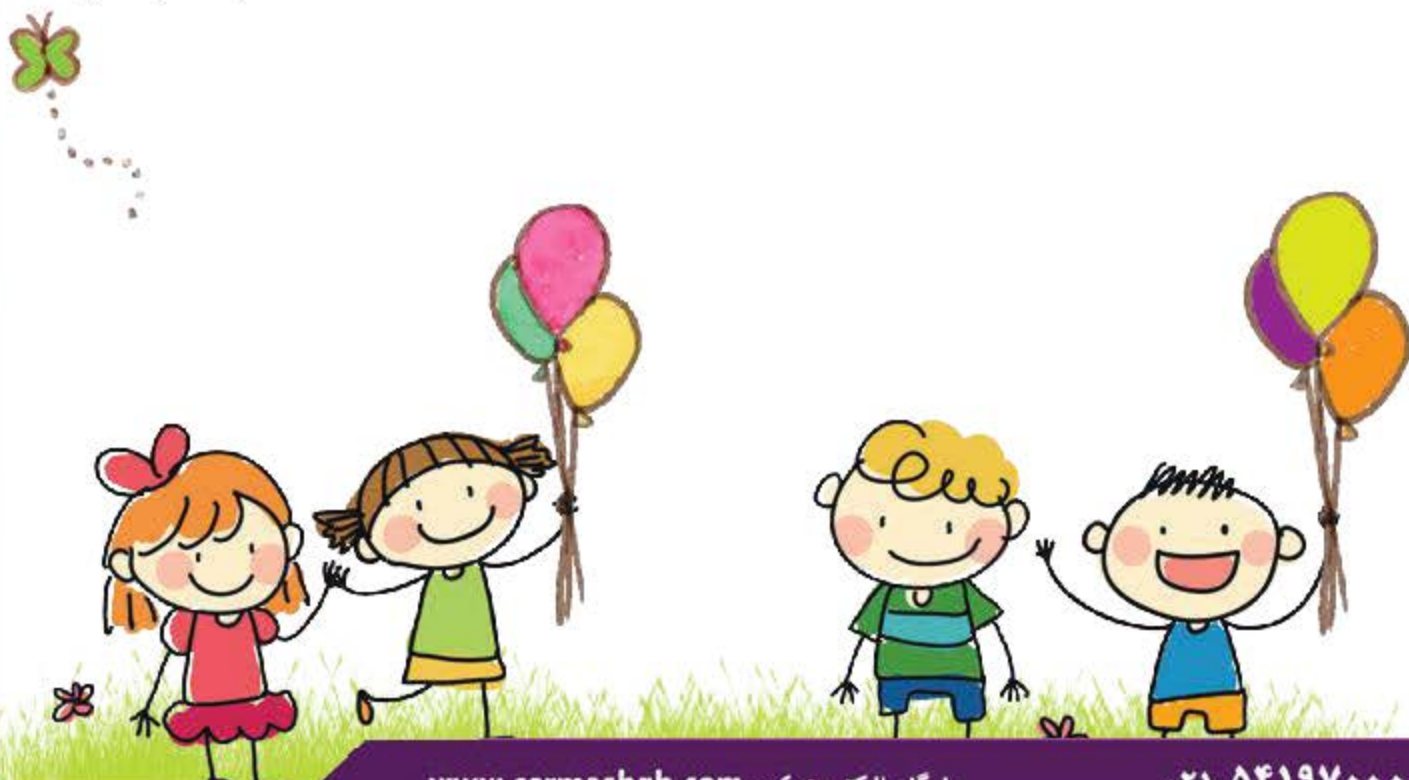
ترکیب مهارت‌های زبانی با مهارت‌های زندگی در این طرح باعث شد انتشارات سرمشق نیز با سابقه‌ی طولانی در تولید محتوای مهارت‌های زبانی و پیشرو بودن در آموزش مهارت‌های زندگی، به تولید محتوا برای این طرح علاقه‌مند شود.

با پیشنهاد و راهنمایی دوستان در آموزش و پرورش، برای شروع به سراغ بسته‌های محتوای نوروز رفتیم تا ضمن آزمودن خود فضایی مناسب و جذاب برای دانش‌آموزان خلق کنیم.

امیدواریم این محتوا به اهداف طرح خوانا نزدیک باشد و توصیه‌های شما معلمان همیشه همراه، برای بهینه شدن این محصول در سال‌های آینده ما را راهنمایی کند.

از خانم دکتر پارسا بخاطر همراهی و راهنمایی در تولید این محصول قدر دانی می‌کنیم.

انتشارات سرمشق



❀ بهار خواندنی ❀

❀ بعد از خواندن دو تیریک زیر به سؤال‌ها پاسخ بدهید.

باد بهاری وزید از طرفِ مَرغزار
خیز و غنیمتِ شمل، چنیش بادِ ربیع
بلا به گردون رسبد، ناله‌ی هر مرغِ زار
ناله‌ی موزون مرغ، پویِ خوش لاله‌زار
سال نو مبارک

همچو رویش در بهاران، همچو جان در هر بدن ❀❀❀ منل بویِ عطر گل‌ها، منل سبزیِ چمن
مثل راز شعر حافظ، مثل آواز قناری ❀❀❀ همچو یاد خوش‌ترین‌ها، همچو باران بهاری
سال نو مبارک



سال نو مبارک

❀ به نظر شما کدام‌یک از شعرهای بالا برای تیریک سال نو مناسب‌تر است؟ چرا؟

❀ برای تیریک سال نو یک بیت شعر مناسب پیدا کنید و بنویسید.

به من ربطی ندارد

آن روز مرد کشاورز با هدیه‌ای در دست به خانه آمد. کشاورز همسرش را صدا زد و هدیه را به او داد. زن هدیه را باز کرد و خوشحال شد. هدیه، یک تله موش بود. خانه‌ی زن و مرد کشاورز وسط مزرعه بود. به تلگی زن کشاورز موشی در خانه دیده بود و دلش می‌خواست زود از شر موش خلاص شود. بنابراین طعمه‌ای در تله‌ی موش گذاشت و آن را به کار انداخت و تله را جایی گذاشت که آخرین بار موش را دیده بود.



موش طعمه را بو کشید و به تله نزدیک شد. او که قبلاً افتادن دوستانش در تله را دیده بود، می‌دانست به طعمه دست زدن همان و مردن همان، اما نمی‌دانست چطور تله را از کار ببندازد.

موش سراغ حیوانات مزرعه رفت. یک مرغ، یک گوسفند و یک گاو در مزرعه زندگی می‌کردند. موش آن‌ها را صدا زد و گفت: «حیوانات عزیز! مرد و زن کشاورز در خانه تله‌ای گذاشته‌اند. بیایید با هم همکاری کنیم و تله را از کار ببندازیم.»



مرغ گفت: «خودت می‌گویی تله موش، نه تله مرغ. به من ربطی ندارد. مشکلات را خودت حل کن!»

گوسفند گفت: «من اگر نوی آن تله‌ی کوچک هم بی‌فتم فقط پایم خراش برمی‌دارد. تله من آنقدر برای زن و مرد کشاورز عزیزم که فوری تله را از پایم بیرون می‌آورند. تله موش مشکل موش است نه مشکل گوسفند.»

گاو خندید و گفت: «من تا به حال نشنیدم گاوی در تله موش بیفتد. برو و وقت ارزشمند گاوی من را نگیر!» موش غمگین به سوراخش برگشت.

شب شد. نیمه‌های شب ناگهان تله تقی صدا کرد. زن کشاورز از صدای تله از خواب پرید. خوشحال بود. بالاخره از شر موش خلاص شده بود. زن در تاریکی به طرف تله موش رفت تا موش مرده را از خانه بیرون ببندازد. اما تا دستش را به طرف تله برد، ناگهان دستش سوخت و درد همه‌ی وجودش را فرا گرفت. زن فریاد زد و مرد کشاورز از خواب پرید. ماری در تله موش گیر افتاده بود و زن را گزیده بود. زن در بستر بیماری افتاد. همسایه‌ها می‌گفتند برای مار گزیده، خورشید مرغ غذای خوبی است. مرد کشاورز مرغ را سر برید و برای همسرش خورشید مرغ پخت.

اما زن بهتر نشد. قوم و خویش زن و مرد برای احوال‌پرسی از دور و نزدیک به خانه‌ی کشاورز آمدند. مرد کشاورز برای پذیرایی از مهمانان گوسفند را سر برید اما زن بهتر نشد و بعد از چند روز درد کشیدن یک روز صبح از دنیا رفت. همسایه‌ها و قوم و خویش‌ها همه برای مراسم خاکسپاری زن کشاورز به مزرعه آمدند. مرد کشاورز برای پذیرایی عزاداران گلوش را کشت.

در این چند روز موش زندگی‌اش را می‌کرد و به روزی فکر می‌کرد که مرغ و گوسفند و گاو گفته بودند تله موش به ما ربطی ندارد.



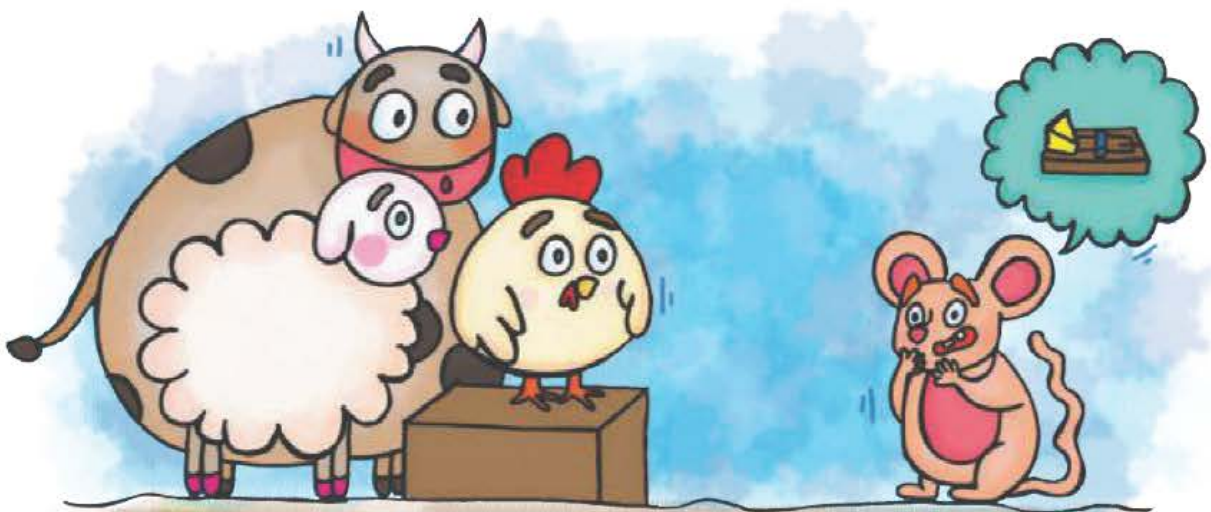
دانش آموز عزیز!

قصه‌ی «به من ربطی ندارد» را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ بدهید.

۱ اگر حیوانات مزرعه به موش کمک می‌کردند چه اتفاق‌هایی نمی‌افتاد؟

۲ اگر به جای حیوانات مزرعه بودید به موش کمک می‌کردید؟ چرا؟

۳ قصه‌ی «به من ربطی ندارد» را برای خانواده بخوانید. برداشت آن‌ها از قصه را بنویسید.



مسئولیت‌های درجه

دانش آموز عزیز!

در کارت‌های زیر مسئولیت‌های مشترک یک خانواده نوشته شده است. کارت‌ها را ببرید یا روی چند تکه کاغذ بنویسید و تا بزنید سپس در یک جعبه بریزید. اعضای خانواده هر کدام از کارت‌ها را که بردارند باید آن روز آن مسئولیت را انجام دهند. می‌توانید این بازی را در روز مناسب که همه‌ی اعضای خانواده هستند انجام دهید.

شستن ظرف‌های صبحانه	شستن ظرف‌های شام	شستن ظرف‌های ناهار
جارو کردن خانه	پاک کردن شیشه‌ی پنجره‌ها	تمیز کردن دست‌شویی و حمام
شستن لباس‌ها	پهن کردن لباس‌ها	بستن یک وعده غذا